

امنیت اقتصادی و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی

دکتر بهرام اخوان کاظمی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۱۰/۲۵

چکیده

امنیت از ضروری‌ترین نیازهای بشری در همه اعصار است و این نیاز در اندیشه اسلامی نیز یکی از ضروری‌ترین و بزرگ‌ترین نعمات مادی و معنوی برای جوامع انسانی و حیات فردی و اجتماعی به شمار آمده است. از سوی دیگر، یکی از وجوه بسیار بااهمیت امنیت، بعد اقتصادی آن است که به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم، در دنیای غرب، به این مفهوم - چه از حیث نظری و چه از حیث عملی - توجه ویژه‌ای گردید و تلاش شد تا تأمین آن برای شهروندان با اهتمام افزون‌تری مدنظر نظام‌های سیاسی و اقتصادی قرار گیرد. مستندات این پژوهش، به‌خوبی بیانگر آن است که - بسیار پیش از این - در منابع قرآنی و روایی، مفهوم متطور و پیچیده امنیت اقتصادی و سازوکارهای تأمین آن، به‌گونه‌ای بسیار دقیق و ملموس، مورد تبیین و تصریح قرار گرفته است و با اتکا به این رهنمودهای متقن و عملی، می‌توان ضمن تمهید و تأمین امنیت اقتصادی، جامعه اسلامی و بشری را در مرزهای ایمان و نظام توحیدی، به توسعه عدالت‌محور و پیشرفت و تعالی مادی و معنوی رهنمون ساخت.

واژگان کلیدی

امنیت اقتصادی، قرآن، روایات، ایمان، تعالی، نظام سیاسی، عدالت، خودکفایی، تولید، انفاق

طرح مسئله

امنیت از موضوعات بسیار مهمی است که در قرآن و روایات با مشتقاتی از ثلاثی مجرد «امن» به گستردگی به آن اشاره شده است. معمولاً این مفهوم را به معنای اطمینان، آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه کرده‌اند که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک و شامل دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت است. از یک سو، اطمینان، آرامش فکری و روحی، و از سوی دیگر، نبود خوف، دلهره و نگرانی، که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌گردد. پیوند معنایی ناگسستنی این اصطلاح با نفس کلمه‌های اسلام، ایمان، و مؤمن حاکی از اهمیت زیاد مفهوم امنیت است.

یکی از ابعاد مهم موضوع امنیت، وجه یا بُعد اقتصادی آن است که با توجه به اهمیت موضوع معیشت و اقتصاد در حیات مادی و معنوی انسانی، تبیین این موضوع و سازوکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی از اهمیت فراوانی برخوردار است. یکی از دلایل مهمی که انجام چنین پژوهش‌هایی را بیشتر ایجاب می‌کند این است که در شرایط فعلی کشور، یکی از دغدغه‌های اساسی کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، تأمین بهینه معیشت مردم و حفظ امنیت اقتصادی آن‌هاست و به همین دلیل، نیز دهه چهارم انقلاب اسلامی، دهه عدالت و پیشرفت نامیده شده است تا با ایجاد توسعه‌ای عدالت‌محور، و پیشرفت و تعالی مادی و معنوی، امنیتی همه‌جانبه و از جمله، امنیت اقتصادی برای عموم مردم ایجاد شود.

بر همین مبنا، سؤال اصلی این پژوهش را می‌توان به اختصار این‌گونه بیان کرد که «آیا امنیت اقتصادی و سازوکارهای تأمین آن در منابع و آموزه‌های قرآنی و روایی تعریف شده است؟» بنا بر این سؤال، مفروض مورد اثبات این نوشتار بدین صورت، قابل طرح است که «به نظر می‌رسد که مفهوم امنیت اقتصادی، مفهومی متحول و پیچیده است و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی با استواری و اتقان لازم بیان شده است».

۱. مفهوم امنیت اقتصادی

از سال ۱۹۴۵م، ایده امنیت اقتصادی جایگاه والایی در دستور کار نظام‌های سیاسی یافته است و همه آن‌ها تلاش کرده‌اند که برای شهروندان خویش امنیت اقتصادی را تأمین کنند. این بُعد از امنیت، پس از جنگ سرد اهمیت روزافزونی یافت و دانش‌پژوهان و سیاست‌گذاران، ضمن تأیید ارتباط امنیت اقتصادی با ایمنی جامعه، به دنبال راه‌های جدیدی برای وارد کردن موضوعات اقتصادی، در راهبردهای سنتی دفاعی بوده‌اند. همچنان‌که بسیاری از کشورهای جهان سوم از شعار تأمین اقتصادی برای اصلاح موقعیت نامساعد خود بهره گرفته و می‌گیرند. از سویی، در عرصه بین‌المللی، استفاده از امکانات اقتصادی به عنوان یک اهرم کارساز، هم باعث ایجاد آسیب‌پذیری بیشتر دولت‌ها و هم رشد افزون‌تر اهمیت موضوع امنیت اقتصادی گشته است؛ زیرا با جهانی شدن اقتصاد و افزایش همبستگی اقتصادی واحدها، دولت‌ها بیش از هر زمانی برای تأمین نیازمندی‌های خود به یکدیگر وابسته هستند. نظام‌های سیاسی در حال حاضر ضمن دنبال کردن راهبردهای خودکفایی اقتصاد ملی، ضرورت امنیت اقتصادی مبتنی بر راهبردهای وابستگی متقابل جهانی را نیز به شدت دنبال می‌کنند، هرچند در هیچ نقطه از عالم شاهد تحقق کامل همکاری اقتصادی مؤثر و مطمئن جهانی نیستیم و توزیع جهانی کالا و خدمات اقتصادی به‌طور قابل ملاحظه‌ای آشفته و به سود دول پیشرفته و کشورهای شمال است؛ لذا شکاف بین فقرا و اغنیا در عرصه بین‌المللی و بین ملت‌ها بیشتر شده است.

از دیدگاه ابرت ماندل معنای امنیت اقتصادی عبارت است از:

«میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، و هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی» (ماندل، ۱۳۷۷، ص ۱۰۷).

باری بوزان نیز از امنیت اقتصادی سخن می‌گوید و در سه سطح فردی، گروه‌ها، و طبقات به این موضوع می‌پردازد که در اینجا، نظر به نیاز، سطح فردی تشریح می‌شود. از نظر وی، در سطح فردی، امنیت اقتصادی به میزان دسترسی انسان به ضروریات زیستی (غذا، آب، سرپناه و آموزش) مربوط است. در سطوح بالاتر، ایده امنیت

اقتصادی با دامنه وسیعی از بحث‌های بسیار سیاسی درباره اشتغال، توزیع درآمد و رفاه مرتبط است. به نظر بوزان، امنیت اقتصادی فرد تنها به شرایط زیستی محدود نمی‌شود بلکه تأمین این امنیت به معنای حفظ سطح مشخصی از استاندارد زندگی است؛ برای نمونه، اشتغال یا حق حداقل دستمزد را باید از شرایط ضروری امنیت اقتصادی بدانیم (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۲۶۶).

بدین ترتیب، می‌توان استنتاج کرد که امنیت اقتصادی - یا همان شرایط حیاتی اقتصادی - عبارت از برقراری نظم بین عوامل اساسی تهیه نیازهای معیشتی انسان، یعنی منابع اولیه، تولید، توزیع کار و درآمد اعضای جامعه است، به طوری که نیازهای ضروری آن‌ها تأمین شود و آن‌ها از نبود و یا حتی احتمال نبود این ضروریات احساس خطر نکنند و آرامش و آسایش آن‌ها سلب نگردد. در همین راستا، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم دولت را موظف به پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، تعمیم بیمه، تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی کرده است.^۱

علاوه بر تعاریفی که از امنیت اقتصادی مطرح گردید، در ساده‌ترین تعاریف، امنیت مزبور به این معناست که مردم در اموالشان امنیت داشته باشند و دولت با مدارا و رعایت عدل و انصاف و با توجه به دیگر اخلاق پسندیده اسلامی، از آنان مالیات و زکات اخذ کند. همچنین، احتکار کالا (به‌ویژه کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم) در میان نباشد و نیز در خرید و فروش‌ها، قیمت‌ها متعادل باشد. در مباحث بعدی، موضوع این نوشتار، از دیدگاه‌های قرآنی و روایی، به‌گونه‌ای دقیق‌تر بررسی می‌شود.

۲. امنیت اقتصادی در آیات

۲-۱. تعامل امنیت با استغناى مادی و اقتصادی

از دیدگاه آموزه‌های قرآنی، انسان موجودی برگزیده است (نحل: ۱۲۱)^۲ و بر دیگر موجودات برتری دارد (اسراء: ۷۰)^۳. از همین دیدگاه، استغناى مادی و اقتصادی انسان در حیات مادی و دنیایی و در مسیر تعالی الهی امری ممدوح به شمار آمده است و لذا

در همین راستا آیات الهی اشعار دارد که انسان، حق بهره‌برداری از جهان را دارد و آفرینش در اختیار اوست (جاثیه: ۱۳)^۴ و هدف آفرینش وی، پرستش خدا و رشد و تعالی در مسیر بی‌نهایت الی الله است (ذاریات: ۵۶)^۵.

۲-۲. عوامل ایجاد و تقویت امنیت اقتصادی

۲-۲-۱. تقویت و تحکیم ایمان و امنیت معنوی

در قرآن کریم ایمان یا امنیت معنوی ضامن تأمین همه وجوه امنیت و از جمله، امنیت اقتصادی و زیربنای آن‌ها به شمار آمده است. برای نمونه، در قرآن، شهری که برخوردار از نعمت ایمان باشد، سرزمین امن معرفی شده است و بنا به آیه «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمَنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ...» (نحل: ۱۱۲)، خداوند به عنوان الگو و نمونه، قریه مؤمن را مثل می‌زند که امن، آرام و مطمئن بوده و همواره روزی‌اش به‌طور وافر از هر مکانی فرارسیده است.

از سویی، یکی از مصادیق مهم واژه‌هایی مانند «نعمت»، «نعیم» و «برکات» در قرآن، امنیت دانسته شده است که نصیب مؤمنین و ایمان‌آوردگان می‌شود؛ برای نمونه، علامه طباطبایی در بحث از آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...» (اعراف: ۹۶)^۶ به این معنا اشاره می‌کند و می‌نویسد: «برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقدان آن‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۵۲).

همچنین، این مفسر در تفسیر آیه «... وَادْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْهِمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا...» (آل عمران: ۱۰۳)، ضمن بیان وضع ناامنی حاکم بر جامعه جاهلی پیش از اسلام، منظور از نعمت در این آیه چنین برمی‌شمارد:

«منظور از نعمت مواهب جمیله‌ای است که خدای تعالی در سایه اسلام به آنان داده، و حال و روز بعد از اسلام آن‌ها را نسبت به قبل از اسلام بهبود بخشید، در دوران جاهلیت امنیت و سلامتی و ثروت و صفای دل نسبت به

یکدیگر و پاکی اعمالی نداشتند، و در سایه اسلام صاحب همه این‌ها شدند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۷۶).

علامه در تفسیر کلمه «نعیم» در آیه هشتم سوره تکوین: «ثُمَّ لِنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» آورده است:

«و نیز در مجمع البیان است که بعضی گفته‌اند: نعیم عبارت است از امنیت و صحت (منقول از مجاهد و عبدالله بن مسعود) و این معنا از امام ابو جعفر و ابی عبدالله (ع) نیز روایت شده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۶۰۷).

در قرآن بنا به آیه ۱۱۲ سوره نحل، شهری که برخوردار از امنیت باشد، سرزمین ایمانی و مثالی معرفی شده است. در این آیه، خداوند از سویی، اطمینان و امنیت جامع و توسعه رزق فراوان و ارزان را از دستاوردهای ایمان از مشخصات «قریه امن» به شمار می‌آورد و از سوی دیگر، گرسنگی و ناامنی و خوف را نتیجه کفران و ناسپاسی نعمت محسوب می‌کند و می‌فرماید:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ...» (نحل: ۱۱۲)، و خدا شهری را مثل زده است [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید، پس [ساکنانش] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به [سزای] آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند.

علامه طباطبایی درباره این آیه در تفسیر خود می‌نویسد:

«معنای این آیه این است که خدای متعال مثلی زده است، و آن مثل قریه‌ای است که اهلش از هر شری که جان و عرض و مالشان را تهدید کند، در امنیت بودند، و برای روزی حاجت به پیمودن کوه و دشتی نداشتند، رزق پاک و بسیاری از هر سو به طرف ایشان سرازیر بود، اهل این قریه به این نعمت‌های الهی کفران کردند، و شکر آن را به جا نیاوردند، خدا هم به اندکی از نعمت و عذاب خود گرفتارشان کرد، و آن نعمت اندک، گرسنگی و ترس بود که چون لباس بر آنان احاطه کرد، و این در قبال کفرانی بود که به‌طور مستمر به نعمت‌های خدا می‌ورزیدند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، صص ۵۲۲-۵۲۳)

همچنین، مفسر کبیر در تفسیر خویش، در تبیین واژه‌های «حیات حسنه» و «حیات طیبه»، یکی از ویژگی‌های اصلی این نوع زندگی را بهره‌مندی از نعمت امنیت ذکر می‌کند هم‌چنان‌که یکی از صفات اصلی «حیات سیئه» و غیرتوحیدی زندگی در ناامنی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۲۱۰؛ ج ۷، ص ۴۶۵). بنابراین، نظام سیاسی در راستای دستیابی به حیات طیبه و حسنه و دوری از حیات سیئه، باید به دنبال تأمین امنیت آن هم در کلیه ابعاد آن باشد.

در قرآن، اولوالالباب به امنیت و سلامتی جاودانی بشارت داده شده‌اند؛ به تعبیر علامه: «جمله سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار»، حکایت کلام ملائکه است که اولوالالباب را به امنیت و سلامتی جاودانی، و سرانجام نیک نوید می‌دهند، سرانجامی که هرگز دستخوش زشتی و مذمت نگردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۷۵). از سوی دیگر، بنا به آیه: «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ» (حجر: ۴۵)، در روز سرنوشت وقتی انسان‌های صالح در جنت گام می‌نهند، به آن‌ها نوید امنیت و سلامت داده می‌شود و به آن‌ها گفته می‌شود که به این باغ‌ها با سلامت و امنیت وارد شوید.

۲-۲-۲. رعایت عدل، انصاف، میزان و نفی هرگونه ظلم و تعدی

در قرآن موضوعاتی مانند نفی هرگونه تعدی، تجاوز به حقوق فردی و عمومی فرد و افراد و لزوم رعایت عدل و انصاف در تعاملات گسترده اجتماعی و به کرات مطرح شده است که این امر ناظر بر اهمیت تعامل عدالت با امنیت در همه ابعاد آن باشد. همچنان‌که ستم و ستمگری در قرآن نیز متعارض با ایمان و امنیت و مایه نابودی و هلاکت اقوام ستمگر و بی‌ایمان به حساب آمده، قرآن در بسیاری آیات به این مسئله اشاره کرده است؛ از جمله می‌فرماید:

«وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ» (یونس: ۱۳)؛ و قطعاً نسل‌های پیش از شما را زمانی که ستم کردند، به هلاکت رساندیم، و پیامبران‌شان دلائل آشکار برایشان آوردند و [لی] بر آن نبودند که ایمان بیاورند و ما این‌گونه مردم بزهکار را جزا می‌دهیم.

«وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا...» (کهف: ۵۹)؛ این آبادی‌ها را نابود کردیم، چون ظلم کردند.

باید اذعان کرد که در منابع اسلامی عدالت به معنای قرارداد هرچیز در جای خویش و حق را به حقدار رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌هاست.^۷ و بدیهی است که قرار گرفتن هرچیز در جای بایسته خویش و استیفای مداوم حقوق، باعث تعادل، ثبات، راست ایستادن و استقامت و پایداری و امنیت در کلیه ابعاد آن به‌ویژه در حوزه اقتصادی است. بدین ترتیب، اساس حکم و حکمیت و حکومت و حتی امنیت در قرآن، ایجاد قسط و عدل در جامعه است. همچنان‌که خداوند به عدالت‌پیشگی فرمان می‌دهد (نحل: ۹) و فرموده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید: ۲۵)؛ ما رسولان را با براهین روشن به سوی انسان‌ها فرستادیم و به آن‌ها کتاب و میزان دادیم تا عدالت را برپا سازند.

شایان ذکر است که رعایت توزین عادلانه و پیمان‌ه عدل در کلیه اشکال دادوستدها تجاری و عدم کم‌فروشی و یا زیاده‌خری، از مواردی است که می‌توان آن را از سازوکارهای قرآن تأمین امنیت اقتصادی به شمار آورد. قرآن دست‌کم در دو سوره با اشاره به ضرورت توزین با قسطاس مستقیم به این امر اشاره می‌کند:

«وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»^۸
(اسراء: ۳۵)؛

«أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ * وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ»^۹
(شعرا: ۱۸۱-۱۸۲)؛

علامه طباطبایی در تفسیر آیه اول، این‌گونه مبادلات تجاری مورد توصیه قرآن را ضامن امنیت در کلیه ابعاد می‌داند و می‌نویسد:

«کلمه قسطاس به معنای ترازو و میزان است... قسطاس مستقیم به معنای ترازوی عدل است که هرگز در وزن خیانت نمی‌کند... اینکه می‌فرماید: ایفاء کیل و وزن و دادن آن به قسطاس مستقیم بهتر است، برای این است که اولاً

کم‌فروشی یک نوع دزدی ناجوانمردانه است و ثانیاً وثوق و اطمینان از بهتر جلب می‌کند.

و احسن تأویلاً بودن این دو عمل از این جهت است که اگر مردم این دو وظیفه را عمل کنند، کم‌فروشدن و زاید نخرند، رشد و استقامت در تقدیر معیشت را رعایت کرده‌اند؛ چون قوام معیشت مردم در استفاده از اجناس مورد حاجت بر دو اصل اساسی است: یکی به دست آوردن جنس مرغوب و سالم و بدرد بخور و دیگری مبادله مقدار زائد بر حاجت است با اجناس دیگری که مورد احتیاج است. آری، هرکس در زندگی خود حساب و اندازه‌گیری دارد که چه چیزهایی و از هر جنسی چه مقدار نیاز دارد و چه چیزهایی بیش از نیاز اوست. چه مقدار از آن را باید بفروشد و با قیمت آن اجناس دیگر مورد حاجت خود را تحصیل کند و اگر پای کم‌فروشی به میان آید، حساب زندگی بشر از هر دو طرف اختلاف پیدا کرده و امنیت عمومی از میان می‌رود.

و اما، اگر کیل و وزن به‌طور عادلانه جریان یابد، زندگی و اقتصادشان رشد و استقامت یافته و هرکس هرچه را احتیاج دارد، همان را به مقدار نیازش به دست می‌آورد، و علاوه بر آن، نسبت به همه سوداگران و وثوق پیدا کرده و امنیت عمومی برقرار می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۲۵).

۲-۳. حرمت و مصونیت اموال و مالکیت خصوصی

قرآن در مبحث امنیت اموال افراد ضمن محترم شمردن مالکیت خصوصی آن‌ها، عدم تعدی به این اموال و مالکیت را از نشانه‌های مؤمنین می‌داند و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ...» (نساء: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا نخورید، مگر آنکه دادوستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد.

۲-۲-۴. تشویق فرهنگ تولید، کار و تلاش مجدانه

باید اذعان کرد که دیانت اسلام یک مرام و شریعت آخرت‌نگر که غافل از زندگی و معاش دنیایی باشد، نیست بلکه برای استقرار باورهای دینی و کسب طمأنینه و آرامش معنوی و مادی، معتقد به شکوفاسازی اقتصاد و جامعه است. اسلام در نگرش خود، هم به تولید، و هم به توزیع سرمایه و نیز دانش و فن‌آوری و نیز مهار سرمایه‌های کلان برای حفظ امنیت اقتصادی و ثبات سیاسی- اجتماعی توجه ویژه دارد. تولید، محور اصلی رشد و امنیت اقتصادی است. در این زمینه هم آموزه‌ها و منابع اصیل اسلامی و هم سیره ائمه معصوم(ع) و پیامبر گرامی(ص) دال بر این مدعا است. قرآن دستور صریح می‌دهد که برای به دست آوردن روزی، تلاشی سرسخت باید در پیش گرفت:

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ...»
(ملک: ۱۵)؛

«او کسی است که زمین را برای شما رام گردانید، پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی خدا بخورید».

۲-۲-۵. پرداخت خمس، زکات، و مقابله با تضادهای طبقاتی

خمس و زکات نیز از جمله راه‌کارهای نظام‌بخشی به سامانه اقتصادی جامعه اسلامی و ایجاد و تثبیت امنیت آن به‌ویژه در بعد اقتصادی است. این دو راه‌کار از مالیات‌های ثابت اسلامی است که حکومت اسلامی، بخش مهمی از بودجه خود را از این منابع مهم مالیاتی تأمین کرده و در مواردی که در فقه بیان شده است، هزینه می‌کند. خمس و زکات در واقع، از ابزارهای تعدیل ثروت و جلوگیری از تمرکز آن در بین فرد یا اقشاری از اجتماع است و درحقیقت، برای رفع نیازمندی‌های طبقات ضعیف جامعه و از سوی دیگر، به منظور تحدید و کنترل ثروت ثروتمندان صورت می‌گیرد. بدیهی است انگیزه بسیاری از شورش‌ها و اعتراضات اجتماعی، محرومیت‌ها و شکاف‌هایی است که در بین آحادی از جامعه وجود دارد و مبرهن است با اعمال درست سازوکارهای اقتصاد اسلامی می‌توان این شکاف‌ها را کنترل و این محرومیت‌ها را کاهش داد و از بروز تضادهای فاحش طبقاتی جلوگیری کرد. البته اسلام به تساوی مطلق میان افراد

معتقد نیست و وجود تفاوت‌ها بر مبنای استحقاق‌های متفاوت افراد را قبول دارد، کما اینکه عدالت را در یکی از معانی‌اش «اعطاء كل ذي حق حقه»، معنی می‌کند؛ یعنی به هر کس مطابق استحقاقش، استیفای حقوق صورت پذیرد. اسلام درحقیقت، این عدم تساوی مطلق را مایه پایداری و ثبات اجتماع به شمار می‌آورد کما اینکه قرآن کریم بر تفاوت فضیلت و معیشت افراد چنین اشاره می‌کند:

«... نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا...» (زخرف: ۳۲)؛

«ما [وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی از آنها را از [نظر] درجات، بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند».

بدین ترتیب، می‌توان استنباط کرد که یکی از راهکارهای ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی، تقسیم مراتب و بهره‌مندی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و... بر مبنای استحقاق و قابلیت افراد است.^{۱۰} با این حال، اسلام طبقات فرودست اقتصادی و اجتماعی را نیز که ممکن است از لحاظ قابلیت و استحقاق در مراتب فرادستی نباشند، به حال خود رها نمی‌کند و سعی می‌کند با ابزارهای اقتصادی مهمی مانند خمس و زکات، انفاق و... از فاصله طبقاتی آنها با طبقات بهره‌مندتر بکاهد و نوعی نظام تأمین اجتماعی را برای آنها لحاظ کند. در همین راستا قرآن مجید مصارف زکات و سپس، خمس را در دو سوره توبه و انفال چنین بیان می‌کند:

«همانا صدقات (زکات‌ها) برای فقیران، مسکینان، عاملان زکات، دلجویی‌شدگان، بردگان، بدهکاران، در راه خدا و در راه مانده است، به عنوان واجب از ناحیه خدا و خداوند دانا و حکیم است» (توبه: ۶۰).

«بدانید هر آن چه غنیمت و فایده بردید، خمس آن برای خدا، رسول، ذی‌القربی، یتیمان، مسکینان و در راه مانده است...» (انفال: ۴۱).

زکات و خمس، هر دو برای تأمین نیازمندان هزینه می‌شوند؛ با این تفاوت که مصرف خمس، نیازمندان بنی‌هاشم، و زکات نیازمندان غیربنی‌هاشم را شامل می‌شود، و نیز هر دو، منبع مالی در اختیار حاکم اسلامی است و به وسیله حاکم دریافت می‌شوند،

با این تفاوت که درباره زکات، موارد مصرف معینی قرار داده شده و در تغییر آن موارد دست حاکم کم‌تر باز است؛ ولی درباره خمس، دست حاکم برای تعیین موارد مصرف بیشتر باز است. خمس همچون زکات، برای تأمین مالی درماندگان، وسیله‌ای برای پاک‌کردن افراد و اموال آنان، برای حفظ مال از ضایع شدن، وسیله رشد اموال خمس‌دهنده و سرانجام، مهم‌ترین حکمتی که برای خمس در روایات مطرح شده، وجود منبع درآمد مهمی برای دولت است که عموماً برای افزایش انتظام و امنیت اقتصادی جامعه و رفع محرومیت‌ها استفاده می‌شود.

۲-۲-۶. استقلال، نفی سلطه، و خودکفایی اقتصادی

یکی دیگر از سازوکارهای تأمین امنیت اقتصادی، دستیابی به استقلال اقتصادی است که می‌توان آن را از قاعده و آیه «نفی سبیل» استنتاج کرد؛ آنجا که خداوند متعال در آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید: «... وَكُنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)؛ خداوند هرگز برای کافران بر مؤمنین راه [تسلطی] قرار نداده است. بدیهی است از جمله راه‌های سلطه کفار بر مؤمنین، سلطه اقتصادی است، متأسفانه در این روزگار، سلطه اقتصادی بیگانگان تا حد بسیاری بر مسلمانان تحقق یافته است و این واقعیت تلخ به دلیل عمل نکردن مسلمانان به مقتضای ایمان است. مطابق مستفاد آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال: ۶۰) مؤمنان وظیفه دارند، تلاش کنند و خود را از وابستگی‌ها - و از جمله وابستگی اقتصادی - رهایی دهند.

گرچه سیاق آیه نشان می‌دهد که درباره جنگ است و طبعاً مهم‌ترین نیرو برای مقابله با دشمن نیروی نظامی است، کلمه «من قوه» هر نیرویی را شامل می‌شود، نیروی اقتصادی برای رویارویی با دشمن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌خصوص در جنگ‌های امروز که قدرت اقتصادی یکی از دو طرف جنگ در سرنوشت آن نقش بسزایی دارد. دستور فراهم کردن نیرو برای مقابله با دشمن، تا آنجاکه دشمن را به هراس افکند، ایجاب می‌کند که در هر زمینه و از جمله اقتصاد، مسلمانان مستقل باشند؛ زیرا وابستگی اقتصادی به بیگانگان، امکان تهیه قدرت اقتصادی که آنان را به وحشت افکند، فراهم نمی‌سازد. دشمنان اسلام، با حفظ برتری اقتصادی خود، اجازه نخواهند

داد که مسلمانان وابسته، از آنان قوی‌تر گردند؛ بنابراین، باید استقلال اقتصادی را به دست آورد تا توان لازم برای مقابله با توطئه‌های دشمنان و از جمله امکان اخلاص امنیتی آن‌ها در کلیه عرصه‌ها و از جمله اقتصادی فراهم گردد.^{۱۱}

علاوه بر استقلال اقتصادی، یکی دیگر از پایه‌های امنیت اقتصادی و سازوکارهای تأمین آن، خودکفایی و اقتدار اقتصادی است. مقصود از خودکفایی این است که جامعه بتواند نیازمندی‌های خود را در حد بالایی از رفاه تولید کند و ناگزیر از وارد کردن کالا از خارج نباشد. در خودکفایی، توانمندی و اقتدار نهفته است، جامعه خودکفا، روی پای خود ایستاده است. مصداقی از این خودکفایی مقتدرانه در بیان قرآن است که درباره مؤمنان به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

«... كَزَّرَعِ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَصِبَتْ بِهِمُ الْكُفَّارَ...» (فتح: ۲۹).

«[و کسانی که با پیامبرند] چون کاشته‌ای هستند که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد. تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم اندازد.»

در این آیه شریف، رشد جامعه اسلامی به رشد گیاه تشبیه شده است؛ یعنی همان‌گونه که گیاه در ابتدا دستخوش بادهای و طوفان‌ها قرار گرفته و خم و راست می‌شود، جامعه نوپای مؤمنان نیز در ابتدا دستخوش حوادثی می‌گردد، اما به تدریج، شاخ و بال‌های آن، در تقویت او مؤثر واقع می‌شود تا آنکه درشت و قوی می‌شود و بر ساقه خود تکیه می‌کند. این جامعه آن‌قدر قدرتمند می‌شود که بنیان‌گذار خود را به شگفتی می‌افکند. خداوند آنان را این‌گونه قوت بخشیده تا بدین وسیله کفار را خشمگین کند.

مفاد این آیه، قدرت یافتن مسلمانان و رسیدن آنان به شکوه و عظمتی است که دشمنان اسلام تاب تحمل آن را ندارند، طبعاً، باید این اقتدار از هر جهت باشد و تمام جوانب اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و... را در برگیرد تا امنیت نیز در کلیه ابعاد جهت جامعه اسلامی و آحاد آن تأمین شود.

۲-۲-۷. اعتدال و میانه روی اقتصادی

قرآن مجید در راستای تبیین سیاست اقتصادی معطوف به ایجاد امنیت و آرامش لازم، با توصیه به اعتدال و میانه روی، هم بخل ورزی و هم گشاده دستی مفرط را ملامت کرده و در نهایت، گشایش روزی و یا تنگدستی را به دست خدا می‌داند و می‌فرماید:

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا
* إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ...» (اسراء: ۲۹-۳۰)؛

و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی ننما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی. بی‌گمان پرودگار تو برای هر که بخواهد روزی را گشاده و یا تنگ می‌گرداند.

۲-۲-۸. انفاق و پرداخت قرض الحسنه

در آموزه‌های قرآنی، دو راهکار مهم ایجاد و تحکیم امنیت اقتصادی، پرداخت انفاق و قرض الحسنه است که دو بدیل مناسب برای جایگزینی پدیده شوم ربا می‌باشند که مستندات لازم در مبحث ربا ذکر می‌شود. ولی به‌اجمال باید گفت که انفاق و قرض الحسنه دو راهکار بسیار خداپسندانه در قرآن است که به کرات در آیات الهی ذکر شده‌اند؛ برای نمونه، توصیه به پرداخت قرض الحسنه، شش بار، آن هم با عبارت «قرضاً حسناً» ذکر شده است (روحانی، ۱۳۶۸ش، ج ۳، ص ۱۱۵۷).

۲-۳. عوامل مخل امنیت اقتصادی

در قرآن، مسائلی مانند بی‌ایمانی و کفرورزی به خداوند متعال، پذیرش ولایت طاغوت، کفران و ناشکری نعمت، ربا، ظلم و بی‌عدالتی، رفاه‌زدگی و اسراف و... به عنوان عوامل افساد و اختلال و امنیت اقتصادی معرفی شده است که موارد یادآوری نشده، بیشتر تشریح می‌گردد.

۲-۳-۱. بی‌ایمانی و کفرورزی به خداوند

از آنجاکه زیربنا و مایه اصلی کلیه ابعاد امنیت، در امنیت معنوی یا ایمان به قادر متعال نهفته است، بی‌ایمانی و کفرورزی به خداوند نیز، زایل‌کننده همه ابعاد امنیت و از جمله، امنیت اقتصادی می‌گردد. در آموزه‌های قرآنی، برای کافران بی‌ایمان که مَهر بر قلب‌های آن‌ها خورده و بر گوش‌ها و چشم‌هایشان پرده کشیده شده است، عذابی عظیم در نظر گرفته شده است (بقره: ۶) و کافران با اموات مقایسه شده‌اند (بقره: ۲۸) و ارتداد و کفر آن‌ها مایه مرگ معنوی و نابودی اعمال آن‌ها در دنیا و آخرت و خلود ابدی ایشان در آتش به شمار آمده است (بقره: ۲۱۷) و خدای متعال به کرات، کافران را به سبب کفرشان لعنت می‌کند (بقره: ۸۸-۸۹). بسیار بدیهی است بر مبنای این آیات، هرگونه امنیتی برای کافران- چه در دنیا و چه در آخرت، و چه از حیث مادی و یا معنوی- محال و تصورناپذیر است.

۲-۳-۲. پذیرش ولایت طاغوتیان

قرآن تبعات ولایت طاغوت را چنین بیان می‌کند:

«وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵) و چون به ولایت و حکومت رسد، کوشش می‌کند که در زمین فساد کند و کاشت و نسل را نابود سازد و خداوند تبهکاری را دوست ندارد.

بدین ترتیب، برخلاف ولایت مؤمنان که در تمام ابعاد، امنیت‌آور است، ولایت طاغوت و طاغوتیان مایه افساد انسان و طبیعت و ایجاد ناامنی در هر دو محیط انسانی و طبیعی است.

۲-۳-۳. پدیده شوم ربا

همان‌طور که گفته شد، یکی از عوامل منفور که از دید قرآن مایه ناامنی اقتصادی، ایجاد شکاف طبقاتی و منازعات اجتماعی می‌گردد، پدیده رباست. در آیه ۲۷۶ سوره بقره در این باره آمده است:

«يَمْحَقُ اللَّهُ الرَّبَّاءَ وَيُرِيهِ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَتِيمٍ»؛ خدا از [برکت] ربا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست ندارد. علامه طباطبایی درباره ربا و تفسیر آیه مذکور و نقش این پدیده شوم در ایجاد ناامنی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی چنین می‌گوید:

«... آثار سویی که بر رباخواری بار می‌شود، درست مقابل آثار نیکی است که از صدقه و انفاق به دست می‌آید. آن، اختلاف طبقاتی و دشمنی می‌آورد، و این بر رحمت و محبت می‌افزاید، آن خون مسکینان را به شیشه می‌کند و این باعث قوام زندگی محتاجان و مسکینان می‌شود و آن اختلاف در نظام و ناامنی می‌آورد و این انتظام در امور و امنیت. خدای سبحان در این آیات در امر رباخواری شدتی به کار برده که درباره هیچ‌یک از فروع دین این شدت را به کار نبرده است، مگر یک مورد که سخت‌گیری در آن نظیر سخت‌گیری در امر رباست، و آن این است که مسلمانان، دشمنان دین را بر خود حاکم سازند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۲۸).

آیه و تفسیر فوق، نشانگر آن است که خدای متعال در مقابل ذم شدید ربا، انفاق را ستایش و توصیه فرموده است و به همین سبب ده‌ها آیه از قرآن را به این صفت ممدوح اختصاص داده و آن را مایه آرامش و ایمنی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و... قرار داده است. یکی از مثال‌ها و شواهد عالی قرآنی در این زمینه آیه ۲۶۱ و ۲۶۲ سوره بقره است که خداوند ضمن آنکه صدقه و انفاق را مایه افزایش روزی و گشایش وسیع اقتصادی می‌داند (بقره: ۲۶۱)^{۱۲}، به انفاق‌کنندگان وعده امنیت، و عدم خوف و اندوه ارزانی می‌دارد:

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۶۲)؛

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و سپس، در پی آنچه انفاق کرده‌اند، منت و آزاری روا نمی‌دارند، پاداش آنان برایشان نزد پروردگار [محفوظ] است و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی‌شوند.

خداوند در آیه ۱۸ سوره حدید، صدقه‌دهندگان را به کسانی که به خدا قرض‌الحسنه داده‌اند، تشبیه کرده و به آن‌ها پاداش مضاعف و اجری نیکو وعده داده است (حدید:۱۸)^{۱۳}. همچنان‌که در آیات دیگر در کنار توصیه به جهاد، اقامه نماز، دادن زکات و... پرداخت قرض‌الحسنه را که همان داد و وام به خداست، سفارش می‌فرماید (مزمّل:۲۰)^{۱۴} و این نشانگر آن است که پرداخت قرض‌الحسنه نیز در کنار انفاق و در تقابل با پدیده شوم ربا، نقش انکارناپذیری در انتظام‌بخشی به اقتصاد جامعه و افزایش امنیت آن داراست.

آیات الهی و از جمله این آیه‌ها نشان می‌دهد که اسلام می‌کوشد، با حفظ آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی و قرار دادن آن در چارچوبی از ارزش‌ها و مقررات و با استفاده از ابزارهای معین جلو شکاف‌های طبقاتی را بگیرد و سطح زندگی فقرا را به‌گونه‌ای بالا بیاورد که میان آنان و ثروتمندان تفاوت‌های فاحش تحمل‌ناپذیری به وجود نیاید. تفاوت‌هایی که منجر به عدم تعادل، شورش‌ها، بی‌ثباتی و ناامنی‌های اجتماعی سیاسی می‌گردد.

۲-۳-۴. کفران و ناشکری نعمت

در آموزه‌های قرآنی، بالاترین نعمت بشر، عبودیت وی در پیشگاه خداوند و یکتاپرستی اوست، به همین دلیل بالاترین سپاس انسان‌ها باید پرستش الهی و ایمان به وحدانیت قادر متعال باشد.

بنا به آیات الهی، اگر انسان‌ها موحد و مؤمن باشند، همه وجوه امنیت نیز برای آن‌ها تحصیل می‌شود، همچنان‌که آیات الهی نتیجه بدون فصل شکرگزاری به درگاه الهی را افزایش قطعی نعمات می‌دانند و بدیهی است وفور نعمت، معنایی جز تأمین امنیت اقتصادی ندارد. قرآن مجید در این راستا می‌فرماید:

«آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد اگر واقعاً سپاس‌گزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود» (ابراهیم:۷).

از منظر قرآنی، شکرگزاری ممدوح است و به همین دلیل خداوند، شکور نامیده شده است (فاطر: ۳۴)؛ ضمن آنکه محصول این شکر و سپاس‌گزاری به خود انسان برمی‌گردد (نمل: ۴۰)، هرچند خداوند اذعان می‌فرماید که بندگان شکور کم‌شمار و بیشتر مردم ناسپاس می‌باشند (غافر: ۶۱). همچنین از دید قرآن، خداوند متعال در کنار ارزانی داشتن ارزاق و روزی بندگان و امر به بهره‌گیری از آنها، به بشر فرمان سپاس‌گزاری نسبت به خویش را صادر کرده است (سبا: ۱۵) و از آدمیان، یادآوری ذکر خویش و شکرگزاری و عدم کفرورزی را درخواست می‌کند (بقره: ۱۵۲) و تقوای پیشگی را ملازم با شکر خود به شمار آورده است (آل عمران: ۱۲۳) و شرط کرده است که اگر بندگان الهی شکرگزار باشند و ایمان بیاورند، آنها را عذاب نکند (نساء: ۱۴۷)^{۱۵}. خداوند متعال حتی به مؤمنان نیز یادآور شده است که اگر تنها خدا را می‌پرستند، از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزی آنها کرده است، بخورند و در قبال این بهره‌گیری، شاکر این نعمات باشند (بقره: ۱۷۲)^{۱۶}. بنا به این آیه، استفاده از مواهب و ارزاق خدادادی، با شکر این نعمات و عبودیت صرف الهی متناظر است و بسیار مسلم است که کفران نعمت وجود باری تعالی و مواهب اعطایی وی، منجر به کفرورزی و اخلال به امنیت همه‌جانبه آدمی و از جمله، امنیت اقتصادی خواهد گشت.

از سوی دیگر، خداوند متعال در آیه ۲۶ سوره انفال، در فرازی زیبا، طی خطابی به مستضعفان، از آنها می‌خواهد در قبال از بین بردن خوفشان، و ایمنی و یاری آنها و تأمین معیشتشان از سوی خداوند، وی را شاکر باشند؛ در این آیه آمده است:

«و به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین، گروهی اندک و مستضعف بودید. می‌ترسیدید مردم شما را بربایند، پس [خدا] شما را پناه داد و شما را به یاری خود نیرومند گردانید و از چیزهای پاک به شما روزی داد، باشد که سپاس‌گزاری کنید».

خداوند متعال در این آیه تناظر و تناسب استواری میان امنیت همه‌جانبه و از جمله امنیت اقتصادی با مقوله شکرگزاری نعمت و عبودیت خویش برقرار کرده است و به‌ویژه از این آیه می‌توان به‌خوبی استفاده کرد که همان‌طور که شکرگزاری نعمت وجود باری تعالی و سایر مواهب و نعمات و عطایای مادی و معنوی وی منجر به ایجاد و تحکیم امنیت همه‌جانبه و ایمنی اقتصادی فرد و جامعه می‌گردد، به همین ترتیب نیز

کفران نعمت هم- که در رأس آن کفرورزی به عبودیت الهی است- می‌تواند به زایل شدن همه ابعاد امنیت و از جمله امنیت اقتصادی بیانجامد.

۲-۳-۵. رفاه زدگی و اسراف

باید افزود که نظام اقتصادی اسلام، تنها در صدد رفع نیازهای ضروری بشر و ایمنی آن نیست و با تأمین آن‌ها کار خود را تمام شده نمی‌داند بلکه در صدد تأمین رفاه بشر است. خداوند نعمت‌های بی‌شماری را در اختیار انسان قرار داده تا از آن‌ها بهره‌گیرد؛ همچنان‌که می‌فرماید:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ...»؛ (اعراف: ۳۲)؛ بگو چه کسی زینت خداوند را برای بندگانش [از زمین] بیرون آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟

اما بشر متأسفانه غالباً با کسب رفاه و راحت خویش از خدا غافل می‌شود و به اسارت دنیا و مظاهر آن درمی‌آید؛ با افزوده شدن نعمت، شکر او بیشتر نمی‌شود و رفاه‌زدگی و اسراف او معمولاً امنیت اقتصادی و اجتماعی سایر آحاد اجتماع را تهدید و مختل می‌کند و زیاده‌روی او به کاهش سطح درآمد و زندگی محرومان می‌انجامد. به تعبیر قرآن، طبیعت انسان این‌گونه است که با برخورداری از رفاه و راحت بسیار، سر به طغیان می‌گذارد. چند آیه نمونه در این باره به شرح زیر است:

«وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ...» (شوری: ۲۷)؛ اگر خداوند روزی را بر بندگان گسترش می‌داد، در زمین سرکشی می‌کردند.

«...إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْجَىٰ» (علق: ۶-۷)؛ همانا انسان که خود را بی‌نیاز ببیند، طغیان می‌کند.

«وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ...» (اسراء: ۸۳)؛ هنگامی که بر انسان نعمتی دهیم، روی می‌گرداند.

بدین ترتیب، خداوند در استفاده از نعمت‌ها، حدی معین کرده است. در واقع، یکی از سازوکارهای تأمین امنیت اقتصادی جامعه، مبارزه با طغیان‌ها و رفاه‌زدگی‌های مالی

است. همچنین، سازوکار دیگر رعایت عدم اسراف و تبذیر و پرداخت حقوق متعلق به اموال است. قرآن در نفی و مقابله با اسراف می‌فرماید:

«... وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱)؛ بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید، همانا خداوند مسرفان را دوست ندارد.

«وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا * إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (اسراء: ۲۶-۲۷)؛ و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه‌مانده را [دستگیر کن] و ولخرجی و اسراف مکن؛ زیرا اسرافکاران برادران شیطان‌هایند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است.

۳. امنیت اقتصادی در روایات

بدیهی است که درباره این مبحث روایات بیشماری از ائمه معصوم(ع) وارد شده باشد و با توجه به اینکه پیامبر(ص) و ائمه(ع)، همگی در واقع، مفسران کلام وحی هستند، به برخی شواهد روایی در این زمینه، به‌اجمال اشاره می‌شود.

۳-۱. جایگاه والای امنیت در روایات

در سخنان معصومان(ع) و روایات آن بزرگواران مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضرورت امنیت وارد شده است؛ برای نمونه، پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید:

«الْأَمْنُ وَالْعَاقِبَةُ نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ» (رسول اکرم(ص)، ۱۳۷۴، ص ۵۹).

امنیت و سلامت دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبون‌اند.

در باب اهمیت و جایگاه برجسته امنیت در اسلام همین نکته کافی است که امنیت در روایت مشهوری در زمره یکی از دو نعمتی قرار گرفته است که انسان قدر آن را نمی‌داند، مگر اینکه به مصیبتی گرفتار شود؛ «النعمتان، مجهولتان الصحة والامان».^{۱۷} امنیت در این روایت شامل همه ابعاد این مفهوم است..

همچنین فرموده‌اند:

«مَنْ أَصْبَحَ مُعَافَىٰ فِي بَدَنِهِ أَمِنًا فِي سِرِّهِ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ فَكَأَنَّمَا خَيْرَتُ لَهُ

الدنيا بحذافيرها» (رسول اکرم(ص)، ۱۳۷۴، ص ۵۹)؛

«هر که تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد، جهان سراسر مال اوست».

۲-۳. تعامل امنیت با اقتصاد، کفایت، و رفاه در معیشت

در تأیید این تعامل، امام صادق(ع) زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار، و ناقص معیشت و حیات مادی شمرده است و در این راستا فرموده‌اند:

«خمس خصال من فقد منهن واحدة لم یزل ناقص العیش، زایل العقل، مشغول القلب: فاولها صحة البدن والثانية الامن و...» (مجلسی، بی تا، ج ۷۸، ص ۱۷۱)؛

«پنج چیز است که حتی اگر یکی از آن‌ها برقرار نباشد، زندگی ناقص و ناگوار است؛ عقل نابود می‌شود و مایه دل‌مشغولی می‌گردد: اولین این پنج چیز سلامتی و دومین آن امنیت است.»

در روایتی در «تحف العقول» از امنیت در کنار عدالت و فراوانی به عنوان نیازهای مردم یاد شده است:

«ثلاثة اشياء يحتاج الناس طراً اليها: الامن، والعدل والخصب» (ابن شعبه الحمرانی، ۱۳۶۳ش، ص ۳۳۴).

«سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی».

امام علی(ع) در بیان نقش و اهمیت امنیت می‌فرماید: «رفاهیه العیش فی الامن» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰ش، ج ۴، ص ۱۰۰)؛ «رفاهیت زندگانی در امنیت است» و «لا نعمة أهنأ من الامن» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰ش، ج ۶، ص ۴۳۵)؛ یعنی هیچ نعمتی گواراتر از امنیت وجود ندارد.

تعامل امنیت با اقتصاد، کفایت، و رفاه در معیشت، از نمادهای عمده حکومت مهدوی در عصر ظهور است؛ همچنان‌که امام علی(ع) درباره ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از امنیت و فراوانی فرموده‌اند:

«لو قام قائمنا لا نزلت السماء قطرها ولا خرجت الارض نباتها وذهب الشحاء من قلوب العباد واصطلحت السبع والبهائم حتی تمشی المرأة بین

العراق والشام... لا يهيجهها سبع ولا تخافه (ابن شعبه الحراني، ۱۳۶۳ش، ص ۱۱۰)؛

«اگر قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان که باید ببارد، می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از دل های بندگان زدوده می شود و بین دد و دام آشتی برقرار می شود، به گونه ای که یک زن میان عراق و شام پیاده راه خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید... نه ددی او را آزار دهد و نه بترساند».

۳-۳. عوامل ایجاد و تقویت امنیت اقتصادی

۳-۳-۱. انتظام و مدبرانه بودن معیشت

امنیت اقتصادی و انتظام معیشت افراد- چه در حوزه فردی و چه اجتماعی- در منابع روایی مدح و توصیه شده است. در احادیث، بر خوش معونه و مدبرانه بودن حیات اجتماعی و اقتصادی زندگی مؤمن تأکید شده است. امام صادق (ع) در این راستا فرموده است: «المؤمن حسن المعونة، خفيف المؤنة، حيد التدبير لمعيشته، لا يلسع من جحر مرتين» (مجلسی، بی تا، ج ۶۷، ص ۲۶۲)؛ «مؤمن یاورى خوب و کم خرج و زحمت است، زندگیش را خوب اداره می کند و از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود».

۳-۳-۲. تشویق فرهنگ تولید، کار، تلاش و خودکفایی

از سویی در روایات، تولید و کار و تلاش، محور اصلی رشد اقتصادی و از ابزارهای تأمین امنیت اقتصادی به شمار می رود. از دیدگاه تفکر اسلامی، توجه به آخرت نباید انسان را از تلاش برای معاش بازدارد. در روایات از معصوم (ع) نقل شده است که «اگر قیامت در حال برپایی است و در دست یکی از شما نهالی قرار دارد، اگر قبل از به پا شدن قیامت قادر بر غرس آن هستید، لازم است آن را غرس کنید».^{۱۸}

از دیدگاه دینی، انسان پرتلاش و سازنده، همانند جنگجوی جبهه جهاد معرفی شده است: «الكاد لعياله كالمجاهد في سبيل الله» (الحر العاملي، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۴۳). همچنین، در احادیث، وابستگی به دیگران نهی شده و بر تلاش و خودکفایی و خودباوری تأکید شده است. امام علی (ع) می فرماید:

«من وجد ماء وتراباً ثم افتقر فابعده الله» (الحر العاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۴)؛ «کسی که آب و خاک در اختیار داشته باشد و پس از آن دست نیاز به سوی دیگران دراز کند، خداوند او را از خود می‌راند».

در روایات، برای مردم مسلمان، ارزش معنوی کار اقتصادی از نماز و روزه و عبادت بالاتر به حساب آمده است؛ امام حسین(ع) در توضیح آیه شریف: ربنا اتنا فی الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة؛ در آخرت، رضوان الهی و بهشت در آخرت است و مقصود حسنه در دنیا، وسعت و گشایش در روزی و معیشت و اخلاق نیکو در دنیا است.^{۱۹} امام رضا(ع) درباره این آیه نیز فرموده‌اند: منظور از حسنه یا نیکی آخرت، رضایت خدا و بهشت اوست و نیکی در دنیا، گسترش در روزی و راه درآمد و اخلاق نیک است. از سویی، در روایات معصومان(ع)، ترک تجارت و رها کردن کار اقتصادی از عمل شیطان به حساب آمده است.^{۲۰}

۳-۳-۳. حرمت و مصونیت کامل مال و سرمایه

اسلام با ارزش نهادن به مال و سرمایه و تضمین عدم تعدی به حد مشروع آن، به افراد اعتماد و اطمینان می‌دهد که آن را در راه تولید و توسعه به کار گیرند. در خصوص حرمت مال و اموال مؤمن، پیامبر(ص) می‌فرماید: «حرمة ماله كحرمة دمه» (الحر العاملی، ۱۴۰۹، ج ۶، حکمت ۵)؛ یعنی حرمت و ارزش مال مسلمان مانند حرمت و ارزش خون اوست. امام علی(ع) در همین حوزه می‌فرمایند: «بزرگ‌ترین گناهان، بردن بخشی از مال مسلمان به ناحق است» (الحر العاملی، ۱۴۰۹، ج ۶، حکمت ۵؛ حکیمی، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۱۸۵، حکمت ۱).

جالب و شگفت‌آور اینجاست که این سیره و منش امام علی(ع) حتی نسبت به حیوانات هم صورت می‌پذیرد؛ آنجایی که حضرت حتی به مأموران زکات در مورد رعایت عدالت درباره شتران و عدم تعدی به آن‌ها سفارش می‌کنند تا آنجا که یادآور می‌شوند مبدا بین شتر و نوزادش جدایی بیفتد و حتی ظریف‌تر از این نکته، تأکید می‌ورزند که «شیر شتران بچه‌دار را ندوشید تا به بچه‌اش زیان وارد نشود» (علی بن ابی طالب، ۱۳۸۱ش، ص ۳۶۸، نامه ۲۵، بند ۱۱).

همچنین، در تاریخ آمده است که حتی بعد از واقعه در دناک حکمیت، امام(ع) سهم بیت‌المال خوارج را پرداخت می‌کرد و حق و سهم آنان را محفوظ می‌شمرد. این در حالی است که این افراد بدسیرت به‌طور دائم امام(ع) را در خلوت و در جمع مورد کنایه و ناسزاهای خود قرار می‌دادند.

۳-۳-۴. امانت‌داری، پرداخت خمس، زکات و صدقات

در روایات، یکی از دستاوردهای امانت‌داری، گشایش رزق دانسته شده و در روایات، خیانت در امانت موجب فقر به شمار آمده است. علی(ع) فرموده‌اند: «امانت‌داری روزی می‌آورد و خیانت در امانت، فقر».^{۲۱} در همین مبحث از پیامبر(ص) روایت شده است که «امانت‌داری توانگری می‌آورد و خیانت در امانت، ناداری».^{۲۲} بدین ترتیب، امانت‌داری نیز از سازوکارهای تأمین امنیت اقتصادی است، همچنان‌که پرداخت خمس و زکات نیز چنین وجهی دارند و در بسیاری از روایات پرداخت این مالیات اسلامی وسیله طهارت و حفظ و صیانت اموال شمرده شده است؛ برای نمونه، پیامبر(ص) فرموده است:

«حَصَّنُوا اَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَدَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَاعْدُوا لِلْبَلَاءِ الدَّعَاءُ»
(رسول اکرم(ص)، ۱۳۷۴ش، ص ۳۴۳).

اموال خود را به وسیله زکات محفوظ دارید و مریضان خود را با صدقه علاج کنید و برای جلوگیری از بلا به دعا متوسل شوید».

۳-۳-۵. رعایت عدل و انصاف در معاملات، وضع و اخذ مالیات‌ها، و نرخ‌گذاری

برخی از فرازهای نهج‌البلاغه به‌خوبی نمایانگر وجوه متعددی از ماهیت امنیت اقتصادی است؛ برای نمونه، امام علی(ع) به مأموران جمع‌آوری زکات و مالیات این فرمان را صادر کرد:

«از بنده خدا علی امیرمؤمنان، به کارگزاران جمع‌آوری مالیات... در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید، و در برآوردن نیازهایشان شکینا باشید، همانا شما خزانه‌داران مردم، و نمایندگان ملت، و سفیران پیشوایان هستید؛ هرگز کسی را از نیازمندی او بازندارید، و از خواسته‌های مشروعش محروم

نسازید، و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی، و مرکب سورای، و برده کاری او را نفروشید، و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید، و به مال کسی - «نمازگزار باشد، یا غیر مسلمانی که در پناه اسلام است» - دست‌درازی نکنید، جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمان‌ها به کار گرفته می‌شود؛ زیرا برای مسلمان جایز نیست آن‌ها را در اختیار دشمنان اسلام بگذارد تا نیرومندتر از سپاه اسلام گردند. از پند دادن به نفس خویش هیچ کوتاهی نداشته، از خوش‌رفتاری با سپاهیان، و کمک به رعایا، و تقویت دین خدا، غفلت نکنید...» (علی ابن ابی‌طالب، ۱۳۸۱ش، ص ۴۰۸، نامه ۵۱).

و نیز در عهدنامه مالک، امیرالمؤمنین علی(ع) از تجار و صاحبان صنایع تعریف کرده و آن‌ها را از منابع اصلی منافع و اسباب آسایش جامعه به شمار آورده و زحمات آن‌ها را ستوده است:

«... توجه داشته باش که بازرگانان و پیشه‌وران و صنعتگران، مردمی سالم و خوب هستند و از نیرنگ و شورش آنان بیمی وجود ندارد. مردمی آشتی‌طلب‌اند که فتنه‌انگیزی ندارند. در کار آن‌ها بیندیش!...» (علی بن ابی‌طالب، ۱۳۸۱ش، صص ۴۲۲-۴۲۳، نامه ۵۳، بند ۹۵-۱۰۰).

و در ادامه، امام(ع) با توییح محتکران، ضرورت برخورد با احتکارکنندگان را یادآور شده و وضع موازین عدل در معاملات و نرخ‌گذاری عادلانه را توصیه فرموده‌اند. (علی ابن ابی‌طالب، ۱۳۸۱ش، صص ۴۲۲-۴۲۳، نامه ۵۳، بند ۹۵-۱۰۰).

امام(ع) در نامه به مالک، بر ضرورت تخفیف و اصلاح مالیات‌های سنگین به‌ویژه در بروز سوانح مصیبت‌بار تأکید داشته و آن را مایه جلب اعتماد مردم و در نتیجه، همراهی افزون‌تر آن‌ها با حکومت و استواری بیش‌تر نظام سیاسی دانسته است (علی بن ابی‌طالب، ۱۳۸۱ش، ص ۴۲۰، نامه ۵۳، بند ۷۹-۸۶).

۳-۳-۶. تقویت و تحکیم ایمان و امنیت معنوی

با توجه به مبنایی بودن موضوع ایمان و امنیت معنوی، مسائل ایمانی و تقویت اعتقادات نیز در روایات، ابزار گشایش روزی و ایمنی اقتصادی و در امان بودن از فقر، دانسته شده است؛ برای نمونه، از امام رضا(ع) نقل شده است: «هرکس قبر حسین(ع) را سه بار زیارت کند، از فقر در امان می ماند» (الحر العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، باب ۴۰، ص ۴۳۸، روایت ۱۹۵۵۰) و یا اینکه پیامبر(ص) به امام علی(ع) می فرماید:

«ای علی سوره یس را بخوان زیرا به درستی که در یس ده برکت وجود دارد: نمی خواند آن را مگر گرسنه ایی که سیر گردد، و مگر تشنه ای که سیراب شود، و مگر عریانی که پوشیده گردد، و مگر فرد عزیزی که ازدواج کند، و مگر ترسانی که امنیت یابد، و مگر مریضی که شفا یابد، و مگر زندانی که آزاد گردد و...».^{۲۳}

۳-۴. عوامل مخل امنیت اقتصادی

۳-۴-۱. فقر و رفاه زدگی

از دیدگاه روایات، فقر نه تنها مخل امنیت اقتصادی است بلکه مایه اخلال ایمان و امنیت معنوی افراد و جامعه است؛ همچنان که پیامبر(ص) فرموده است: «کاد الفقر ان یكون کفرًا» (رسول اکرم(ص)، ۱۳۷۴ش، ص ۱۰۴)؛ یعنی بیم آن است که فقر به کفر انجامد. امام علی(ع) نیز در جای جای نهج البلاغه، پدیده شوم فقر را نکوهیده است و برای مثال، به فرزندش محمد حنفیه می فرماید:

«یا بُنَّیَّ انی اخاف علیک الفقر. فاستعد بالله منه، فانَّ الفقر منقصة للدين، مدهشة للعقل، داعية للمقت» (علی بن ابی طالب، ۱۳۸۱ش، ص ۵۱۲، حکمت ۳۱۹)؛

«ای فرزند! من از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را ناقص، و عقل را سرگردان، و عامل دشمنی و برانگیزاننده خشم است». البته با توجه به طبع افراط گرا و طغیانگر انسانی در هنگام روی آوردن به رفاه و گشایش مادی به وی می توان از احادیث استنباط کرد که این مسئله برای انسانها از فقر

بیشتر خطر داشته و دارد. در روایت نبوی آمده است که فتنه گشایش از مسئله فقر، خطرناک‌تر است؛ زیرا می‌توان بر فقر صبر کرد، اما تنعم و گشایش‌های گسترده دنیایی گمراه‌کننده‌تر است. پیامبر(ص) می‌فرماید:

«من درباره شما از فتنه گشایش بیش از فتنه تنگ‌دستی بیم دارم، شما به فتنه تنگ‌دستی مبتلا شدید و صبر کردید، حقا که دنیا شیرین و دلفریب است.»^{۲۴}

۳-۴-۲. رشوه، ربا، اسراف، احتکار

در روایات، عواملی هم به عنوان عوامل مخل امنیت اقتصادی ذکر شده‌اند که از جمله آن‌ها رشوه، ربا و اسراف است. پیامبر(ص) در روایتی ربا را مایه قحطی و رشوه را عامل ایجاد رعب و وحشت به شمار می‌آورند:

«ما من قوم یظهرُ فیهم الرِّبا الا اُخذوا بالسَّنة وما من قوم یظهرُ فیهم الرِّشا الا اُخذوا بالرُّعب» (رسول اکرم(ص)، ۱۳۷۴ش، ص ۱۳۹).

«هر گروهی که ربا میانشان رواج می‌گیرد، به قحط مبتلا شوند و هر گروهی رشوه میانشان رواج گیرد، بترس دچار شوند.»

حضرت امام صادق(ع) در تقابل اسراف با پدیده امنیت اقتصادی و تعامل اسراف با فقر می‌فرماید:

«ان السرف یورث الفقر وان القصد یورث الغنی» (الحر العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۱، باب ۲۲، حکمت ۱).

«همانا اسراف، پدیدآورنده فقر و میانه‌روی موجب بی‌نیازی است.»

از سویی اسلام، با تحریم احتکار و منع این پدیده، جلوی تمرکز ثروت ناشی از آن را گرفته و از این راه نیز در راه تعدیل ثروت و ایجاد امنیت اقتصادی گام برداشته است. تحریم احتکار در مواردی مانند گندم، جو، خرما، کشمش و روغن در روایات تصریح شده است و در غیر آن موارد نیز- در صورتی که احتکار کالایی به زیان جامعه باشد- با دستور حاکم اسلامی و از باب ولایت حاکم بر امور حسبی، ممنوع می‌شود.

باید اضافه کرد که معنای لغوی احتکار، عبارت است از جمع و حبس کردن چیزی که مورد نیاز مردم است تا اینکه زندگی آن‌ها در تنگنای شدید قرار گیرد؛

بنابراین، واژه احتکار نسبت به حبس هر کالایی که مورد احتیاج شدید قرار گیرد، صدق می‌کند و اختصاص به حبس طعام ندارد.^{۲۵} همچنین، باید اضافه کرد که واژه «احتکار» و مشتقاتی از «ثلاثی مجرد» آن، در قرآن مجید نیامده است، اما به‌وفور به این موضوع و واژه در روایات اشاره گردیده است؛ برای نمونه، امام علی(ع) در نامه خویش به مالک اشتر در این باره فرموده است:

«این را هم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هستند که تنگ‌نظر و بدمعامله و بخیل و احتکارکننده‌اند که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند، و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند، می‌فروشند که این سودجویی و گران‌فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار، و عیب بزرگی بر زمامدار است. پس، از احتکار کالا جلوگیری کن که رسول خدا(ص) از آن جلوگیری می‌کرد، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به‌سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زیانی نرساند. کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده، تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او اسراف نکن» (علی بن ابی‌طالب، ۱۳۸۱ش، ص ۴۲۲-۴۲۳، نامه ۵۳، بند ۹۷-۱۰۰).

نتیجه‌گیری

این نوشتار در آزمون پرسش اصلی خود، با ذکر مستندات و تحلیل‌هایی کافی، اثبات کرد که مفهوم متحول و پیچیده امنیت اقتصادی و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی با استواری و اتقان لازم بیان شده است. در همین راستا و بر مبنای آیات و روایات، عوامل ایجاد و تقویت امنیت اقتصادی و عوامل مخل امنیت مزبور به تفکیک و تفصیل بیان شد.

بر مبنای دستاوردهای این پژوهش، می‌توان خلاصه‌ای از سازوکارهای تأمین امنیت اقتصادی را به شرح زیر بیان کرد:

یک. حفظ و تقویت ایمان جامعه و انجام تمهیدات و بسترسازی لازم حکومت جهت بالندگی و ارتقای آن در راستای دستیابی به امنیت جامع، توسعه رزق فراوان و

ارزان به عنوان محصول حیات طیب و پاک و مؤمنانه انسانی و مقابله با بی‌ایمانی و کفرورزی به خداوند.

دو. نفی هرگونه تعدی، تجاوز به حقوق فردی و عمومی، و حرمت و مصونیت کامل مال و سرمایه افراد و محترم شمردن مالکیت خصوصی در مسیر وصول به جامعه ایمانی و حیات حسنه همراه با تلاش مجدانه و آخرت‌گرایانه برای تأمین و انتظام مدبرانه معیشت دنیایی.

سه. رعایت اصول عدالت و انصاف و حاکمیت بخشی به آنها در همه تعاملات و دادوستدهای اقتصادی و وضع موازین عادلانه در معاملات، وضع و اخذ مالیات‌ها، نرخ‌گذاری‌ها و مقابله با کم‌فروشی و خرید مازاد بر احتیاج، و توصیه اکید به امانت‌داری.

چهار. شکوفاسازی اقتصاد و توجه به تولید، کار و تلاش مجدانه به عنوان محور اصلی رشد و امنیت اقتصادی.

پنج. توزیع سرمایه و جلوگیری از تمرکز و تکاثر ثروت، طغیان‌ها و رفاه‌زدگی‌های مالی افراد و مهار سرمایه‌های کلان.

شش. اجرای نظام تأمین اجتماعی برای پر کردن فاصله‌های فاحش طبقاتی، و به‌خصوص توصیه و ترویج و ساماندهی امر انفاق و مالیات‌های شرعی خمس و زکات در جهت افزایش انتظام و اقتصادی جامعه و رفع محرومیت‌ها.

هفت. جلوگیری از پدیده منفور و ناامن‌کننده ربا که موجب شکاف‌های طبقاتی و منازعات اجتماعی است و جایگزینی آن با راهکارهایی اسلامی مانند اعطای صدقات، انفاق و قرض‌الحسنه.

هشت. نفی عوامل افساد و اخلال در امنیت اقتصادی مانند پذیرش ولایت طاغوت، کفران و ناشکری نعمت، رباخواری، رشوه، اسراف، احتکار، عدم رعایت عدالت، فقر و عوامل موجدۀ تفاوت‌های فاحش طبقاتی.

نه. تحقق عدالت و قبول وجود تفاوت میان افراد اجتماع بر مبنای استحقاق‌های متفاوت آنها و عدم باور به لزوم تساوی مطلق آحاد جامعه و بسترسازی رقابت عادلانه اقتصادی و ایجاد امکان دستیابی افراد به منزلت‌های بالاتر بر حسب تلاش و کوشش.

ده. افزایش قدرت، توانمندی و اقتدار اقتصادی به عنوان یکی از اهرم‌های مهم دفاع در مقابل دشمنان و تهدیدکنندگان.

یازده. دستیابی به استقلال، خودکفایی اقتصادی و نفی وابستگی و سلطه.

دوازده. حاکمیت‌بخشی به قاعده «نفی سبیل» در معاملات و مراودات اقتصادی با مشرکان و بیگانگان و نفی سلطه اقتصادی آن‌ها و پرهیز از رفاقت، رازگویی و مشورت‌خواهی اقتصادی از بیگانگان کافر و دشمنان.

سیزده. جلوگیری از اسراف و تبذیر و مقابله با رفاه‌زدگی و توصیه به میانه‌روی و زندگی مدبرانه اقتصادی و نفی بخل‌ورزی و گشاده‌دستی مفرط.

چهارده. مقابله با کفران و ناشکری نعمت و کفرورزی به ذات اقدس الهی و تأکید بر شکرگزاری نعمت‌ها و عبودیت وی.

پانزده. برخورداری از انتظام و تدبیر، اعتدال و میانه‌روی در برنامه‌ریزی و حیات اقتصادی.

یادداشت‌ها

۱. رک. اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. «شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ [و] نعمت‌های او را شکرگزار بود. [خدا] او را برگزید و به راهی راست هدایتش کرد.
۳. «وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ و ما ایشان را بر بسیاری از مخلوقاتمان برتری بخشیدیم.
۴. «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ»؛ تمامی آنچه در آسمان‌ها و زمین است، مسخر ایشان گردانیدیم.
۵. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ جن و انس را تنها برای عبادت خلق کردیم.
۶. «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم».
۷. «وضع كل الشی فی موضعه واعطاء كل ذیحق حقه».
۸. و چون پیمان‌ه می‌کنید، پیمان‌ه را تمام دهید، و با ترازوی درست بسنجید که این بهتر و خوش‌فرجام‌تر است.

۹. پیمان‌ها را تمام دهید و از کم‌فروشان مباشید و با ترازوی درست بسنجید.
۱۰. قرآن به هیچ وجه فرادستی و برتری عادلانه اقتصادی و اجتماعی و... فرد یا افراد را که نسبت به دیگران به دست آمده است، نفی نمی‌کند و جایگاه و منزلت هرکس را مطابق تلاش و اکتساب وی به شمار می‌آورد و بدین وسیله، انگیزه اعتراض و شورش‌های محتمل را نسبت به این فرادستی‌های مستحقانه خاموش می‌سازد؛ برای نمونه، در سوره نساء آیه ۳۲ می‌فرماید: «از آنچه خداوند به وسیله آن برخی از شما را به برخی برتری داده است، آرزو نکنید، برای مردان از آنچه به دست آوردید، سهمی و برای زنان از آن چه سلب کرده‌اند، سهمی است و شما باید از فضل الهی طلب کنید؛ همانا خداوند به هر چیزی داناست».
۱۱. رک. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۲۰۲.
۱۲. مثل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد؛ خداوند برای هرکس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند و خداوند گشایشگر داناست.
۱۳. «إِنَّ الْمُسْتَدْقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ».
۱۴. «...وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...».
۱۵. «مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَدَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا».
۱۶. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ».
۱۷. این روایت از پیامبر گرامی اسلام نیز بدین صورت نقل شده است: «نعمتان مکفورتان: الامن والعافیه» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۸، ص ۱۷۰، حکمت ۱)؛ دو نعمت است که مورد قدرناشناسی و ناسپاسی است؛ یکی نعمت امنیت و دومی نعمت سلامتی.
۱۸. «ان قامت الساعة وفي يد احدكم الفسيلة فان استطاع ان لا تقدم الساعة حتى يغرسها فليغرسها» (النوری الطبرسی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۶۰).
۱۹. «فی قولیه الله تعالی ربنا آتانا فی الدنیا حسنة و فی الاخرة حسنة؛ قال رضوان الله والجنة فی الاخرة والسعة فی الرزق والمعاش وحسن الخلق فی الدنیا» (الحر العاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، حکمت ۱).
۲۰. رک. الحر العاملی، ۱۴۰۹، ج ۶، حکمت ۳.
۲۱. «الامانة تجر الرزق، والخيانة تجر الفقر» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۸، ص ۶۰، ج ۷۵، ص ۱۷۲).

۲۲. «الامانة تجلب الغناء، والخيانة تجلب الفقر» (مجلسی، بی تا، ج ۷۵، صص ۱۱۴، ۱۷۱؛ ج ۷۷، ص ۱۱۹).
۲۳. «یا علی! قرا یس فان فی یس عشره برکات ما قراءها الا شیع ولا ظماء الا روی ولا عار الا کسی ولا عزب ال تزوج ولا خائف الا امن ولا مریض الا برا ولا محبوس الا اخراج و...» (مجلسی، بی تا، ج ۹۲، ص ۲۹۰، روایت ۴، باب ۵۷).
۲۴. «لانا من فتنه السراء أخوفٌ عليكم من فتنه الضراء، أنکم ابتلیتم بفتنة الضراء فصیرتم وانّ الدنيا حُلوة خَضرة» (رسول اکرم (ص)، ۱۳۷۴ش، ص ۱۰۴).
۲۵. برای اطلاع بیشتر رک. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۳۳۴.

کتابنامه

- قرآن مجید، ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند.
- نهج الفصاحه (۱۳۷۴ش / ۱۴۱۶ق)، سخنان رسول اکرم (ص)، گردآورنده: مرتضی فرید تنکابنی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، چ ۴.
- نهج البلاغه (۱۳۵۱ش / ۱۳۹۲ق)، ترجمه و شرح سید علینقی فیض الاسلام، تهران: بی نا.
- همان (۱۳۸۱)، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه انتشارات حضور.
- ابن شعبه الحرانی، ابو محمد (۱۳۶۳ش / ۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۲)، عدالت در اندیشه های سیاسی اسلام، قم: بوستان کتاب.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل بیت (ع) لاحیاء التراث.
- النوری الطبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۷ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۰ش)، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۰)، الحیاه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۳.
- روحانی، محمود (۱۳۶۸ش)، المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم (فرهنگ ماری کلمات قرآن کریم)، مشهد: آستان قدس رضوی، ج ۳.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱)، *مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران: سمت.
طباطبایی، سید محمد (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر همدانی، قم: دفتر
انشارات اسلامی، چاپ پنجم.
ماندل، رابرت (۱۳۷۷) *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
مجلسی، محمدباقر (بی‌تا)، *بحار الانوار*، ۱۱۰ ج، قم: دار الکتب الاسلامیه.